استقلال و پرسپولیس همچون سایر تیم های لیگ برتری روزهای دور از مسابقه را سپری می کنند اما هر کدام بنا بر حواشی و اخبار خود در گیر مسائل مختلفی هستند از رفتن دیکارمو و مارکو گرفته تا آمدن چند بازیکن برزیلی برای استقلال مسائلی است که شاید بتوان گفت اصل کار یعنی تمرکز روی تمرینات برای حضور موفق تر در دیدار های آتی را تحت تأثیر قرار داده است با این وجود باید دید آیا این ۲ تیم می توانند در هفته های پایانی نیم فصل اول خوب امتیاز جمع کنند ؟

دیدارهای پرسپولیس و استقلال تهران با حریفان از دریچه دوربین

طنز ورزشی

در کنفرانس بین المللی مطرح شد

استاد گمنام: حامل هیچ پیام محرمانه‌ای برای «باراک اوباما» نبودم!

هومن جعفری

همان طور که می دانید سرانجام انتظار جهانی برای پایان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به پایان رسید و باراک اوباما برنده این انتخابات غیر مردمی و نامردی و خیلی خیلی بد شد. البته ما از اینکه دماغ مک کین سوخت خیلی خوشحال شدیم و در ضمن یک پیتزا هم در شرط بندی بردیم اما به هر حال ما دوشنبه شب و در شرایطی که ملت آمریکا - که با دولتشان خیلی فرق دارند- هنوز رأی- مأی هم نداده بودند آن طنز خفن هفته قبل را نوشتیم و با انتخاب آن تیتر بسیار خفن تر مهارت و هنر خود در تحلیل مسائل سیاسی و همچنین ربط دادن بی ربط آن به مسائل بی ربط تر ورزشی را به نمایش گذاشتیم.

بازتاب جهانی طنز هفته قبل ابرار ورزشی لحظاتی پس از چاپ آن مطلب آغاز شد.

بی بی سی لحظاتی پس از این اتفاق این طنز را در سایت فارسی خود به صورت کامل به چاپ رساند و در توضیح نوشت: در شرایطی که ۲۴ ساعت پس از پایان انتخابات آمریکا هنوز هم کسی انتخاب باراک را باور نمی کرد استاد گمنام با مطلبی که ۲۴ ساعت قبل از انتخابات نوشته شده بود و البته یک روز پس از مشخص شدن آرا به چاپ رسید پک و پوز کل تحلیلگران سیاسی- میاسی را به خاک مالید اساسی!

در همین رابطه استاد گمنام یا نویسنده این مطلب ناچار شد در پاسخ به سیل سؤالات و پرسش های خبرنگاران داخلی یا خارجی یا غیره (مگه غیره هم داریم؟ !) یک کنفرانس مطبوعاتی تشکیل بدهد و پاسخگوی سؤالات آنها باشد.

■■■

استاد گمنام: آقایان و بانوان خبرنگار، بروبچ، همکاران عزیز خودم در رسانه های جهانی! از اینکه امروز در سالن کنفرانس واقع در طبقه پنجم ساختمان گروه نشریات ابرار گرد من آمدید تشکرجات اساسی! همه رقمه در خدمتیم.

خبرنگار صدای آمریکا (یا ندای آمریکا یا نوای آمریکا یا کوفت آمریکا! چه می دانم؟!): لطفاً در مورد مطلبی که نوشتید توضیح بدهید.

استاد گمنام(با ذوق): شما آن مطلب را خواندید؟

خبرنگار صدای آمریکا: بله... یک نوع طنز آوانگارد و اکسپرسیونیستی بود با لایه هایی از محافظه کاری و البته تعلق افراطی خاطر به جناح راست که با آن تیتر بی نظیر تکمیل شد.

استاد گمنام: بله . . . البته من که نفهمیدم چه گفتید اما احتیاطاً اگر چیز بدی گفتید با خودتان و مک کین بودید!

در مورد آن طنز من هیچ توضیحی ندارم. دوشنبه صبح ها موقعی است که طنزم را می نویسم . . . آن روز دوشنبه صبح به دلیلی که یادم نمی آید پیچاندم و نیامدم . . . حالا یادم آمد . . . شاکی بودم که چرا مطلب یک هایی که می دهم به صورت ستونی و خیلی خیلی درپیت کار می شود و به اصطلاح شأن بنده رعایت نمی شود. ناسلامتی ما زمانی یکی از «فرست قلمزن» این تحریریه بودیم و هستیم. خلاصه ما پیچاندیم اما شبش برگشتیم و مطلب را نوشتیم . . . خیلی هم خندیدیم.

خبرنگار بی بی سی: سخنگوی مک کین شما را تلویحاً به ناتوانی در نوشتن چنین مطالبی متهم کرده و صراحتاً این مطلب را به یکی از نویسندگان نامدار جناح راست افراطی وصل کرده.

استاد گمنام: ایشان غلط کرده اند! ما دو شاهد داریم که هرچند هیچ کدام با معیارهای یک شاهد قابل اعتماد و دادگاه پسند همخوانی ندارند اما به هر حال شاهدند دیگر! یکی جواد یاسی است که با روزی ۲۵ ساعت کار کردن اسمش در کتاب رکوردهای گینس ثبت شده و دومی کاوه‌علی اسماعیلی است! آهان! تازه امیر حسین صادقی پناه هم بود! یادم آمد. اینو چی میگی داداش؟ من ۳ تا شاهد دارم. سخنگوی مک کین اعصابش از ملت فهیم آمریکا خورد بوده سر من خالی کرده!

خبرنگار شین هوا: شما چه ارتباطی با دولت نهم دارید؟

استاد گمنام: ارتباط؟! ارتباط خاصی ندارم . . . چند باری هم در کار رئیس سازمان تربیت بدنی گذاشته ام به شیوه خیلی اساسی . ایشان معاون رئیس جمهور هستند! می بینید که ما به اردوگاه آنها تعلق نداریم.

خبرنگار شین هوا با لحنی که پیداست خیلی دارد حال می‌کند: اما ما مدرکی داریم که وابستگی مالی شما به دولت نهم را فاش می‌کند! مطابق این سند شما یک هفته قبل از نوشتن این مطلب طنز، مبلغ سیصد هزار تومان به عنوان هدیه روز خبرنگار از دولت دریافت کرده‌اید. تازه زیر قبض امضا شده نوشته‌اید که سلام ما را به حاج محمود برسانید! کپی این مدرک موجود است اما دست ما نیست!

> **SHOOT**
> **خبرنگار شین‌هوا با لحنی که پیداست خیلی دارد حال می‌کند: اما ما مدرکی داریم که وابستگی مالی شما به دولت نهم را فاش می‌کند! مطابق این سند شما یک هفته قبل از نوشتن این مطلب طنز، مبلغ سیصد هزار تومان به عنوان هدیه روز خبرنگار از دولت دریافت کرده‌اید. تازه زیر قبض امضا شده نوشته‌اید که سلام ما را به حاج محمود برسانید! کپی این مدرک موجود است اما دست ما نیست!**

استاد گمنام: دریافت آن مبلغ را شدیداً تأیید و وابستگی خودم را شدیداً تکذیب می کنم! من خیلی مایه‌دارتر از این حرف ها هستم که برای سیصدهزار تومان کار سفارشی بکنم.

خبرنگار روزنامه کریستین ساینس مانیتور: آیا شما حامل پیامی برای آقای اوباما هستید؟ به عبارت دیگر آیا «محمود احمدی نژاد» رئیس جمهوری ایران از شما خواسته بود که با نوشتن آن مطلب پیغامی را به آقای اوباما برسانید؟!

استاد گمنام: ببینم شما با من صحبت می کنید؟

خبرنگار روزنامه کریستین ساینس مانیتور: بله.

استاد گمنام: حقیقتاً شگفت زده شده ام. این سؤالی را که شما از من پرسیدید حیوان از حیوان نمی پرسد! من قویاً این مورد را تکذیب می کنم. من فقط می خواستم یه چیزی بنویسم که هم بامزه باشد و هم صفحه پر شود برود پی کارش!

خبرنگار الجزیره که ما مدت ها در کنفرانس های ورزشی با هم بودیم: آقا سلام. بنده را که در خاطرتان هست؟

استاد گمنام: بله . خوبی برادر؟ ما چهل بار کنار هم گزارش تهیه کرده‌ایم. خوبی عزیز!

خبرنگار الجزیره: بله. اجازه بدهید سؤال بپرسم.

استاد گمنام: ای کلک! بپرس!

خبرنگار الجزیره: نظر شما در مورد پیمان امنیتی بغداد چیست؟

استاد گمنام: پیمان امنیتی بغداد دیگر چه صیغه ای است؟ سؤال سیاسی دارید بفرمایید طبقه سوم از مسئول تحریریه روزنامه سیاسی بپرسید. طنز- منز ورزشی- مرزشی همه رقمه در خدمتیم.

خبرنگاران خارجی با هم: بگو دیگه!

استاد گمنام: حالا که اصرار می کنید چشم. حقیقتش من امیدوارم که بعد از منعقد شدن پیمان امنیتی بغداد . . . (چی بگم آخه؟!) دولت آمریکا پول شیشه هایی را که بچه های عراقی در توپ بازی می شکنند بدهد!

(همهمه حضار)

خبرنگار بی بی سی: منظور شما این است که اگر این پیمان امضا شود بچه های شما در عراق یک توپ بازی خفنی انجام می دهند که هرچه شیشه- میشه در عراق است بیاید پایین؟

استاد گمنام: شنیم بینیم بابا! ما خودمون ختم تحریف مطالب و گمراه کردن افکار عمومی هستیم!

اگر این مطلب چاپ شود من حال شما رو خفن می گیرم می دهمتان دست مشاور مطبوعاتی یکی از باشگاه ها. خودش می داند چه بلایی سرتان بیاورد!

خبرنگار یک روزنامه اصول گرا: شما چرا مطالبتان خودی است، کراواتتان غیرخودی؟

استاد گمنام: گیر نده دیگه! من این مدلی لباس می پوشم. خیلی هم کیف می کنم.

خبرنگار ابرار ورزشی: نظر منفی شما در مورد آقای قطبی چیست؟

استاد گمنام: به شدت محکوم می کنم.

(صدای تشویق بچه های تحریریه ورزشی از طبقه سوم به گوش می رسد)

خبرنگار یک روزنامه اصلاح طلب: شما که ظاهرتان اصلاح طلب است آن چه تیتر محافظه کارانه ای بود که زدید؟

استاد گمنام: جون من بی خیال! من چهل تا سؤال خبرنگاران خارجی را جواب دادم کسی چیزی نگفت. سر دوتا سؤال خبرنگاران ایرانی خسته شدم. سؤال فنی بپرس آقاجون!

خبرنگار نیویورک تایمز: حاضرید به ما طنز بدهید؟

استاد گمنام: این بهترین سؤال امروز بود! سر قیمت به توافق برسیم چرا که نه؟!

تصاویر روز از دریچه دوربین